

## دلایل قبول منصب وزارت از سوی ابن سینا در عصر شمس الدوله دیلمی ( اجبار یا فرصت )

امید کفاشی؛ کارشناسی ارشد، تاریخ، دانشگاه ارومیه، ایران

### چکیده

پذیرش منصب وزارت از سوی ابن سینا در عصر شمس الدوله دیلمی را می توان حاصل تلفیقی از ضرورت های سیاسی و فرصت های علمی دانست. از یک سو، او در شرایطی می زیست که ساختار قدرت در قلمرو آل بویه ناپایدار و رقابت های نظامی و درباری شدید بود؛ در چنین فضایی، امتناع از پذیرش مسئولیت می توانست به بی اعتمادی، حبس یا حذف از صحنه سیاسی بینجامد. بنابراین، نوعی اجبار ساختاری و ملاحظات امنیتی در این تصمیم مؤثر بود. از سوی دیگر، وزارت برای ابن سینا امکان دسترسی به منابع مالی، کتابخانه ها و شبکه نخبگان را فراهم می کرد و فرصتی برای تأثیرگذاری بر سیاست و حمایت از فعالیت های علمی اش به شمار می رفت. او با تکیه بر دانش پزشکی و فلسفی خود توانست اعتماد امیر را جلب کند و موقعیت خویش را تثبیت نماید. در نتیجه، پذیرش این منصب را باید نه صرفاً اجبار و نه کاملاً فرصت طلبی، بلکه تصمیمی عقلانی در تعامل با شرایط زمانه دانست.

### کلمات کلیدی :

ابن سینا، شمس الدوله دیلمی، وزارت، آل بویه، سیاست و علم

## مقدمه :

دوران آل بویه از جمله ادواری است که در آن پیوند میان قدرت سیاسی و نهاد علم به گونه ای چشمگیر نمایان می شود. در این دوره، دانشمندان و ادیبان نه تنها در عرصه علمی، بلکه در ساختار اداری و حکومتی نیز نقش آفرین بودند. ابن سینا، فیلسوف و پزشک برجسته سده چهارم و پنجم هجری، نمونه ای شاخص از این پیوند است؛ اندیشمندی که افزون بر تألیف آثار ماندگار در فلسفه و طب، مدتی منصب وزارت شمس الدوله دیلمی را نیز بر عهده گرفت. پذیرش این منصب پرشوی مهم را در تاریخ اندیشه اسلامی برمی انگیزد: آیا ابن سینا در اثر فشارهای سیاسی و ناامنی های زمانه ناگزیر به قبول این مسئولیت شد، یا آن را فرصتی برای تثبیت موقعیت اجتماعی و پیشبرد اهداف علمی خود دانست؟ بررسی این مسئله، افزون بر روشن ساختن ابعاد شخصیتی ابن سینا، به فهم بهتر مناسبات قدرت و دانش در عصر آل بویه کمک می کند. این پژوهش می کوشد با تحلیل شرایط سیاسی، اجتماعی و فردی، دلایل پذیرش وزارت از سوی ابن سینا را واکاوی کرده و نسبت میان را در این تصمیم تاریخی تبیین کند. « فرصت » و « اجبار »

## بیان مسئله:

رابطه دانش و قدرت در تمدن اسلامی، به ویژه در سده های چهارم و پنجم هجری، از مهم ترین موضوعات تاریخ فرهنگی و سیاسی ایران است. در این میان، زندگی ابن سینا به عنوان فیلسوف، پزشک و سیاستمداری که در برهه ای منصب وزارت شمس الدوله دیلمی را پذیرفت، نمونه ای برجسته از تداخل عرصه علم و سیاست به شمار می آید. مسئله اصلی این پژوهش آن است که پذیرش منصب وزارت از سوی ابن سینا تا چه اندازه ناشی از اجبار سیاسی و الزامات ساختار قدرت بود و تا چه حد می توان آن را فرصتی آگاهانه برای تثبیت موقعیت اجتماعی، دسترسی به منابع علمی و اثرگذاری در اداره حکومت دانست. اهمیت این مسئله از آن روست که دولت آل بویه، به ویژه در شاخه های محلی خود، در فضایی از رقابت های نظامی، کشمکش های درباری و بی ثباتی سیاسی عمل می کرد؛ فضایی که در آن، نخبگان علمی غالباً ناگزیر بودند برای حفظ موقعیت و امنیت خویش، با ساخت قدرت وارد تعامل شوند. تاریخ کمبریج نیز با اشاره به ویژگی های حکومت های محلی ایران در این دوره، بر شکنندگی اقتدار سیاسی و نقش تعیین کننده در چنین بستری، حضور - رجال دیوانی و اهل دانش در تثبیت حکومت ها تأکید می کند (تاریخ کمبریج، ۱۳۷۳: ج ۴، ص ۲۴۵) ابن سینا در ساختار قدرت، صرفاً "انتخابی شخصی نبود، بلکه در متن شرایط تاریخی و اقتضانات اجتماعی زمانه معنا می یافت.

از سوی دیگر، آل بویه را باید از مهم ترین حامیان فرهنگ، دانش و نهادهای علمی در ایران اسلامی دانست. رن فرای در عصر زرین فرهنگ ایرانی نشان می دهد که در این دوره، دربارها به مراکز مهم جذب دانشمندان، پزشکان و ادیبان بدل شدند و دانشمندان از طریق نزدیکی به قدرت، امکان بیشتری برای استمرار فعالیت های علمی خود می یافتند بر این اساس، وزارت ابن سینا را نمی توان تنها نتیجه فشار سیاسی دانست؛ زیرا این منصب برای او امکان دسترسی به کتابخانه ها، ارتباط با نخبگان و برخورداری از حمایت مالی و سیاسی را نیز فراهم می ساخت. از این منظر، پذیرش وزارت می توانست نوعی بهره گیری هوشمندانه از فرصت های موجود نیز باشد. در عین حال، نباید از فشارها و محدودیت های سیاسی غافل شد. دکتر پروین ترکمنی آذر در دیلمیان در گستره تاریخ نشان می دهد که فرمانروایان دیلمی برای تحکیم اقتدار خود به رجال کاردان و دانشمند نیازمند بودند و در این مسیر، گاه نخبگان را به مشارکت در امور حکومتی وامی داشتند (ترکمنی آذر، ۱۳۸۰: ۲۳۷) این نکته می تواند مؤید آن باشد که قبول وزارت از سوی ابن سینا، دست کم تا اندازه ای، پاسخی به الزام های سیاسی و ملاحظات امنیتی بوده است.

همچنین علی اصغر فقیه در آل بویه با ترسیم فضای متزلزل سیاسی این دودمان، بر نقش بحران‌های داخلی و جابه‌جایی مداوم قدرت در تصمیمات رجال حکومتی تأکید می‌کند (فقیه .: 165) بنابراین، بررسی اقدام ابن سینا بدون تحلیل زمینه بی‌ثباتی سیاسی عصر شمس الدوله، ناقص خواهد بود.

از منظر تاریخ علم نیز، این مسئله اهمیت مضاعف می‌یابد. سید حسین نصر در علم و تمدن در اسلام بر این نکته تأکید دارد که دانشمندان مسلمان غالباً در پیوند با ساختارهای سیاسی و اجتماعی عصر خود به تولید علم می‌پرداختند و استقلال علمی آنان لزوماً به معنای کناره‌گیری از قدرت نبود.

بنابراین، پذیرش وزارت از سوی ابن سینا را می‌توان در چارچوب الگوی رایج رابطه دانشمند و حاکم در تمدن اسلامی تحلیل کرد، نه صرفاً به عنوان یک استثنا. افزون بر این، زرین کوب در کارنامه اسلام یادآور می‌شود که بسیاری از اندیشمندان مسلمان در کنار فعالیت علمی، در دیوان‌سالاری و نظام اداری نیز ایفای نقش می‌کردند و این امر بخشی از واقعیت تمدنی آن عصر بوده است. بر این اساس، مسئله پژوهش حاضر آن است که آیا ابن سینا وزارت شمس الدوله را از سر اجبار پذیرفت یا آن را فرصتی برای حفظ در این «انتخاب عقلانی» و «ضرورت سیاسی» موقعیت، بسط نفوذ و تداوم حیات علمی خود دانست؟ به عبارت دیگر، نسبت میان تصمیم تاریخی چگونه قابل تبیین است؟ این پژوهش می‌کوشد با تکیه بر منابع معتبر تاریخی و تحلیلی، نشان دهد که پذیرش این منصب حاصل هم‌زمان فشارهای محیطی و فرصت‌های برخاسته از نزدیکی به قدرت بوده است؛ امری که فهم آن، تصویری دقیق‌تر از جایگاه ابن سینا و مناسبات علم و سیاست در عصر آل بویه به دست می‌دهد.

#### پیشینه پژوهش:

بررسی زندگی و اندیشه ابن سینا، به ویژه ابعاد سیاسی و اجتماعی دوران حیات او، همواره مورد توجه پژوهشگران بوده است. با این حال، موضوع پذیرش منصب وزارت از سوی او، اگرچه به تلویح در بسیاری از زندگینامه‌ها و تحلیل‌های تاریخی بدان پرداخته مورد کاوش قرار گرفته است «فرصت» و «اجبار» شده، اما کمتر به صورت مستقل و با تمرکز بر نسبت

#### زندگینامه‌ها و آثار معاصر و کهن:

بسیاری از زندگینامه‌نویسان کهن، مانند ابو عبید جوزجانی (شاگرد ابن سینا) در سوانح الحکمه یا بیهقی در تاریخ بیهقی، به وقایع دوران وزارت ابن سینا اشاره کرده‌اند، اما غالباً این اشاره‌ها کوتاه و ناظر به رویدادهای کلی است و تحلیلی عمیق از انگیزه‌های او ارائه نمی‌دهد. این دسته از آثار بیشتر بر توصیف وقایع تمرکز دارند تا تبیین چرایی آن‌ها.

#### پژوهش‌های معاصر در حوزه تاریخ اندیشه و فرهنگ ایران:

در پژوهش‌های جدیدتر، آثار متعددی به بررسی دوران آل بویه و نقش دانشمندان در آن عصر پرداخته‌اند. کتاب‌هایی مانند تاریخ ایران کمبریج (ج ۴)، عصر زرین فرهنگ ایرانی نوشته رن فرای، علم و تمدن در اسلام اثر سید حسین نصر، دیلمیان در گستره تاریخ از پروین ترکمنی آذر، و آل بویه اثر علی اصغر فقیه، هر یک به جنبه‌هایی از مناسبات قدرت و دانش در این دوره اشاره کرده‌اند. این آثار غالباً به نقش حمایتی برخی از شاهان آل بویه از دانشمندان و همچنین فضای سیاسی پرتلاطم آن دوران پرداخته‌اند. با این حال، تمرکز اصلی آن‌ها بر روی کلیت دوران و دودمان آل بویه است و بررسی جزئیات مواجهه ابن سینا با ساختار قدرت، صرفاً بخشی از تحلیل کلی آن‌ها را تشکیل می‌دهد.

#### پژوهش‌های متمرکز بر ابن سینا:

شماری از پژوهش ها نیز به طور خاص به زندگی و اندیشه ابن سینا پرداخته اند. افرادی چون عبدالمجید بدوی، یوسف کرم، ولادیمیر ایوانف، و اخیراً نیز پژوهشگرانی چون رضا داوری اردکانی، مهدی محقق، و شهرام پازوکی، در آثار خود به ابعاد مختلف فلسفی، طبی و گاه اجتماعی ابن سینا پرداخته اند. در این میان، برخی از این پژوهش ها به سفرهای ابن سینا، دوران انزوا، و نیز اقامت او در دربار آل بویه اشاره کرده اند. با این وجود، تحلیل عمیق و مستقلی که صرفاً "به چرایی پذیرش منصب وزارت توسط او و تبیین نسبت میان اجبار و فرصت بپردازد، کمتر مشاهده می شود. غالباً" این موضوع در ذیل مباحث مربوط به زندگی سیاسی ابن سینا یا شرایط اجتماعی عصر او مطرح شده است.

### نکات برجسته در پژوهش های موجود:

تأکید بر فضای سیاسی ناپایدار: اغلب پژوهشگران، از جمله فقیه و ترکمنی آذر، به بی ثباتی سیاسی در دوران آل بویه و نقش آن در زندگی رجال و دانشمندان اشاره کرده اند. این امر می تواند پذیرش منصب را تا حدی نتیجه فشارهای محیطی تلقی کند. نقش حامیانه آل بویه از علم فرای و نصر بر این نکته تأکید دارند که دربار آل بویه، به خصوص در دوره های، به مرکزی برای حمایت از علم و فرهنگ بدل شد. این جنبه، موضوع را از حالت اجبار صرف خارج کرده و امکان بهره گیری از فرصت را تقویت می کند. زندگی چندوجهی ابن سینا: بسیاری از محققان، از جمله زرین کوب، به جنبه های گوناگون شخصیت ابن سینا، اعم از علمی، فلسفی، طبی و حتی سیاسی اشاره کرده اند و زندگی او را نمودی از تعامل میان حوزه های مختلف دانسته اند. دلایل پذیرش منصب « کمبود تحلیل مستقل بنا وجود اشارات متعدد، به نظر می رسد هنوز جای کار برای تحلیل مستقل و عمیق وجود دارد. بسیاری از آثار، این موضوع را به صورت گذرا مطرح کرده و به تحلیل « فرصت » و « اجبار » و روشن سازی نسبت « وزارت جزئی و نظام مند آن نپرداخته اند. بر این اساس، پژوهش حاضر می کوشد با تمرکز بر این مسئله خاص و با بهره گیری از منابع دست اول و دوم، تحلیلی نو از این جنبه از زندگی ابن سینا ارائه دهد و شکاف موجود در پژوهش های پیشین را تا حدی پر کند.

### روش تحقیق:

این پژوهش با اتخاذ رویکردی تاریخی-تحلیلی به بررسی دلایل پذیرش منصب وزارت از سوی ابن سینا در عصر شمس الدوله دیلمی امکانات علمی، مالی ( « فرصت » فشارهای سیاسی، امنیتی و اجتماعی) و « اجبار » می پردازد. هدف اصلی، تبیین نسبت میان عوامل و نفوذ سیاسی در این تصمیم بوده است.

### مراحل روش تحقیق:

گردآوری داده ها:

**منابع دست اول:** مطالعه و بررسی آثار کهن مربوط به زندگانی ابن سینا و عصر آل بویه، از جمله زندگینامه های معاصر او (مانند آنچه شاگردانش نقل کرده اند) و متون تاریخی برجای مانده از آن دوره.

**منابع دست دوم:** بررسی و تحلیل پژوهش های معاصر در حوزه تاریخ اندیشه، تاریخ سیاسی ایران در دوره آل بویه، و مطالعات اختصاصی درباره ابن سینا. در این مرحله، از آثار برجسته ای چون تاریخ ایران کمبریج، عصر زرین فرهنگ ایرانی (رن فرای)، علم و تمدن در اسلام (سید حسین نصر)، دیلمیان در گستره تاریخ (پروین ترکمنی آذر)، آل بویه (علی اصغر فقیه)، و کارنامه اسلام (عبدالحسین زرین کوب) ذو سایر مقالات و کتب مرتبط استفاده خواهد شد.

### تحلیل داده ها:

**تحلیل تاریخی:** بررسی و استنتاج وقایع، شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی حاکم بر دوران ابن سینا و عصر شمس الدوله دیلمی. تمرکز بر نشان دادن فضای ناپایدار سیاسی، رقابت های درباری و الزامات حکومتی آن دوره. تحلیل محتوا: استخراج و طبقه بندی اطلاعات مربوط به مواضع و تصمیمات ابن سینا، و همچنین رویکرد شمس الدوله و دیگر رجال سیاسی نسبت به او. **تحلیل تطبیقی:** مقایسه شرایط ابن سینا با دیگر دانشمندان و رجال برجسته آن عصر که با ساخت قدرت تعامل داشته اند، به منظور درک بهتر نسبت اجبار و فرصت.

**تحلیلی:** تلاش برای شناسایی و سنجش وزن هر یک از عوامل (اجبار\_\_\_\_\_ و فرصت) در تصمیم نهایی ابن سینا برای پذیرش منصب.

### ارائه یافته ها:

سازماندهی یافته های تحلیلی در قالب یک چارچوب منسجم که ابتدا به تشریح شرایط محیطی (اجبارها) پرداخته و سپس فرصت های پیش رو و نحوه بهره برداری ابن سینا از آن ها را تبیین می کند. در نهایت، با جمع بندی تحلیل ها، پاسخی مستدل به پرسش اصلی پژوهش (نسبت اجبار و فرصت) ارائه خواهد شد. در این تحقیق، تلاش بر این است که ضمن رعایت دقت در ارجاع دهی به منابع، تحلیلی جامع و چندوجهی از این رویداد تاریخی ارائه شود که فراتر از توصیف صرف وقایع، به چرایی و چگونگی آن بپردازد.

### یافته ها و تحلیل:

پذیرش منصب وزارت از سوی ابن سینا در دوران شمس الدوله دیلمی، حاصل تعاملی پیچیده میان فشارهای سیاسی و فرصت های علمی بود. یافته های این پژوهش نشان می دهد که هرچند عوامل اجبارآمیز نقش مهمی در این تصمیم ایفا کردند، اما فرصت های ناشی از این موقعیت نیز به شکل هوشمندانه ای توسط ابن سینا مورد استفاده قرار گرفت.

### ۱. عوامل اجبار و ضرورت:

**بی ثباتی سیاسی و امنیتی:** در دوره شمس الدوله، قلمرو آل بویه، به ویژه در نواحی مرکزی و غربی ایران، از بی ثباتی سیاسی رنج می برد. رقابت های درونی خاندان آل بویه، شورش های محلی و تهدیدات خارجی، فضای پرتنش را ایجاد کرده بود. در چنین شرایطی، حضور در ساختار قدرت، هرچند دشوار، می توانست نوعی امنیت نسبی برای فردی چون ابن سینا که پیشتر نیز به دلیل عدم پذیرش ممکن بود فعالیت های علمی و سیاسی اش مورد سوءظن یا آزار قرار گرفته بود، او را در معرض اتهام یا انزوای بیشتر قرار دهد. فراهم کند (ترکمنی آذر، ۱۳۸۰: ۲۳۰)

**لزوم حفظ موقعیت اجتماعی و اقتصادی:** ابن سینا، با وجود شهرت علمی، همواره با مشکلات مالی و نیاز به حمایت مالی برای ادامه تحقیقات و تأمین معاش روبرو بود. منصب وزارت، افزون بر درآمد، امکان دسترسی به منابع مالی دولتی، کتابخانه های سلطنتی و امکانات لازم برای پژوهش را فراهم می کرد. در دوره ای که حمایت های دولتی، نقشی حیاتی در استمرار فعالیت های علمی نخبگان داشت، پذیرش چنین منصبی، راهی عملی برای تضمین حیات علمی و اجتماعی او بود.

**فشار مستقیم حکومت:** برخی شواهد نشان می دهد که حاکمان آل بویه، به دلیل نیاز مبرم به کارگزاران کاردان و متخصص، گاهی از نخبگان برجسته، از جمله دانشمندان، انتظار مشارکت در امور حکومتی داشتند. ممکن است ابن سینا تحت فشار مستقیم شمس الدوله یا مشاوران او ناگزیر به پذیرش این مسئولیت شده باشد، به ویژه آنکه توانایی های او در اداره امور، فراتر از جنبه های علمی، مورد تأیید قرار گرفته بود.

### ۲. عوامل فرصت و انتخاب آگاهانه:

فرصت تأثیرگذاری بر سیاست: ابن سینا، برخلاف برخی دانشمندان منزوی، همواره به مسائل سیاسی و اجتماعی پیرامون خود علاقه مند بود و تلاش می کرد از دانش خود برای بهبود اوضاع بهره گیرد. پذیرش وزارت، به او امکان می داد تا مستقیم‌اً در سیاست گذاری ها، به ویژه در حوزه های مرتبط با طب و بهداشت عمومی، تأثیر بگذارد و اصلاحات مورد نظر خود را پیاده کند. تجربیات او در اداره امور و تدوین قوانین در زمان وزارت، نشان از توانایی او در این زمینه دارد (تاریخ کمبریج، ۱۳۷۳: ج ۴، ص ۲۴۸)

دسترسی به منابع علمی و فرهنگی: دربار آل بویه، به ویژه در همدان، دارای کتابخانه های غنی و مجموعه های علمی ارزشمندی بود. پذیرش منصب وزارت، دسترسی ابن سینا را به این منابع تسهیل می کرد و او را در معرض اندیشه ها و آثار جدید قرار می داد. همچنین، حضور در حلقه نخبگان و درباریان، فرصتی برای تبادل دانش و طرح دیدگاه های علمی او بود. تثبیت جایگاه علمی و اجتماعی: در آن دوران، ارتباط میان علم و قدرت، به اعتبار علمی دانشمند می افزود. پذیرش منصبی چون وزارت، اعتبار اجتماعی و سیاسی ابن سینا را در میان جامعه و دربار تثبیت می کرد و به او امکان می داد تا با فراغ بال بیشتری به تحقیقات علمی خود ادامه دهد و از نفوذ بیشتری در مجامع علمی و فرهنگی برخوردار شود (نصر، ۱۳۵۲: ص ۱۸۷)

امتحان عملی دانش: برای فیلسوفی چون ابن سینا، که در اندیشه های خود به عقلانیت، عدالت و نظم اجتماعی توجه داشت، وزارت فرصتی بود تا تئوری های خود را در عمل بیازماید و قابلیت های فکری و مدیریتی خود را به نمایش گذارد. او توانست در این مقام، خدماتی شایان در زمینه نظم بخشی به امور و حتی در امور نظامی از خود نشان دهد.

#### تحلیل نظری و علمی:

از منظر نظریه وابستگی علم به قدرت در دوران اسلامی، می توان پذیرش وزارت ابن سینا را در راستای الگوی رایج دانشمندان دانست که برای بقا و استمرار فعالیت علمی خود، به حمایت مالی و سیاسی حاکمان وابسته بودند. این وابستگی، لزوماً به معنای از دست دادن استقلال فکری نبود، بلکه نوعی همزیستی استراتژیک محسوب می شد (همان،). بود که در آن، حمایت دولت از نخبگان، «عصر زرین» از دیدگاه جامعه شناسی علم، دوران آل بویه یکی از نمونه های برجسته شکوفایی علمی را تسهیل کرد. ابن سینا با پذیرش وزارت، نه تنها به این چرخه حمایتی پیوست، بلکه تلاش کرد تا از موقعیت خود برای ارتقای سطح علمی و فرهنگی جامعه بهره گیرد. این امر با مدل تعاملی میان دانشمند و جامعه مطابقت دارد که در آن، دانش صرفاً «انباشت نظری نیست، بلکه باید در خدمت جامعه قرار گیرد. از منظر روان شناسی تاریخی، می توان تصمیم ابن سینا را نتیجه یک انتخاب عقلانی در شرایط دشوار دانست. او با سنجش منافع و مضرات، به این نتیجه رسید که پذیرش منصب، با وجود ریسک ها، منافع بلندمدت بیشتری را برای او و اهداف علمی اش به همراه دارد. این رویکرد، با شخصیت چندبعدی و هوشمند ابن سینا که همواره در پی تعادل میان حیات نظری و عملی بود، سازگار است

#### نتیجه گیری تحلیل:

یافته ها نشان می دهند که پذیرش وزارت ابن سینا، یک انتخاب منفعلانه در برابر اجبار نبود، بلکه تصمیمی فعالانه و استراتژیک بود که در آن، ضرورت های سیاسی و اجتماعی با فرصت های علمی و مدیریتی درهم آمیخته بودند. او توانست با مهارت، از این منصب برای پیشبرد اهداف علمی و اجتماعی خود بهره گیرد و همزمان، جایگاه خود را در ساختار قدرت تثبیت کند. بنابراین، تبیین یک طرفه ناقص است؛ بلکه تلفیقی هوشمندانه از هر دو عامل، به این تصمیم شکل داده است.

#### نتیجه گیری:

پذیرش منصب وزارت از سوی ابن سینا در دوران حکومت شمس الدوله دیلمی، نقطه عطفی در زندگی پرفراز و نشیب این دانشمند بزرگ و نمادی از پیوند پیچیده علم و قدرت در عصر آل بویه است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که این تصمیم، حاصل ترکیبی از اجبارها و ضرورت‌های سیاسی-اجتماعی و فرصت‌های آگاهانه علمی-اداری بوده است.

از یک سو، فضای سیاسی متزلزل و ناامن دوران آل بویه، همراه با رقابت‌های درباری و تهدیدات مداوم، ابن سینا را در موقعیتی قرار داد که برای حفظ امنیت شخصی و موقعیت اجتماعی خود، ناگزیر به نوعی تعامل با ساخت قدرت بود. مشکلات مالی و نیاز به تأمین منابع برای ادامه تحقیقات نیز، جنبه دیگری از این ضرورت‌ها را نمایان می‌ساخت. در این راستا، اجبارها و فشارهای محیطی، نقش انکارناپذیری در کشاندن ابن سینا به عرصه سیاست ایفا کردند. از سوی دیگر، ابن سینا صرفاً یک قربانی شرایط نبود، بلکه با هوشیاری و درایت، از این موقعیت به عنوان فرصتی برای تحقق اهداف علمی و اجتماعی خود بهره برد. دسترسی مستقیم به منابع مالی و کتابخانه‌ای دربار، امکان تأثیرگذاری بر سیاست‌گذاری‌ها به ویژه در حوزه سلامت، و تثبیت جایگاه اجتماعی و علمی او، از جمله فرصت‌هایی بودند که این منصب در اختیارش قرار داد. او توانست با اثبات شایستگی‌های علمی و مدیریتی خود، نه تنها از منافع این جایگاه بهره‌مند شود، بلکه گام‌هایی در جهت اصلاح امور و خدمت به جامعه بردارد.

تحلیل نظری نشان می‌دهد که این رویکرد، با الگوهای رایج تعامل دانشمندان با قدرت در تمدن اسلامی، و همچنین با اصول جامعه‌شناسی علم و روان‌شناسی تاریخی سازگار است. ابن سینا با یک انتخاب عقلانی استراتژیک، توانست میان الزامات بقا و اهداف علمی خود، تعادلی نسبی برقرار کند. در نهایت، می‌توان گفت که پذیرش وزارت ابن سینا، نه صرفاً واکنشی انفعالی به اجبار، و نه تنها بهره‌برداری فرصت‌طلبانه، بلکه تصمیمی چندوجهی و مبتنی بر سنجش دقیق شرایط بود. این رویداد، تصویری غنی از توانایی ابن سینا در مدیریت همزمان حوزه‌های گوناگون زندگی، و همچنین درک عمیق او از مناسبات پیچیده میان علم، سیاست و جامعه در عصر خویش ارائه می‌دهد. این پژوهش امیدوار است با تبیین این نسبت، گامی هرچند کوچک در جهت فهم بهتر یکی از ابعاد کمتر کاوش شده زندگی این دانشمند بزرگ برداشته باشد.

## منابع و مأخذ:

- ۱ تاریخ کمبریج (۱۳۷۳). تاریخ ایران کمبریج، جلد چهارم: از ظهور سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان، ترجمه حسن انوشه، تهران:
  - ۲ ترکمنی آذر، پروین (۱۳۸۰). دیلمیان در گستره تاریخ، تهران: انتشارات آستان قدس رضوی.
  - ۳ فرای، ریچارد نلسون (۱۳۸۳). عصر زرین فرهنگ ایرانی: از ق ۶۴۱ تا ۱۳۷۰ میلادی، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: سروش.
  - ۴ فقیه، علی اصغر (۱۳۶۹). آل بویه، تهران: انتشارات سمت.
  - ۵ نصر، سید حسین (۱۳۷۱). علم و تمدن در اسلام، ترجمه احمد آرام، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
  - ۶ زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۳). کارنامه اسلام، تهران: انتشارات امیرکبیر
  - ۷ زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۲). تاریخ ایران بعد از اسلام، تهران، انتشارات امیر کبیر
  - ۸ زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۵). روزگاران، تهران، انتشارات امیرکبیر
  - ۹ وات، مونتگری، (۱۳۷۰). فلسفه و کلام اسلامی، ترجمه ابوالفضل عزتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی
  - ۱۰ قادری، حاتم (۱۳۸۴). اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران، تهران، انتشارات سمت
- سایر منابع مورد استفاده (که در ارجاعات مستقیم نیامده اند اما در کلیت پژوهش مؤثر بوده اند):
- ۱ ابن سینا. سوانح الحکمه (یا بخش‌های مرتبط در آثار دیگر او مانند اشارات و تنبیهات یا شفا که به زندگی نامه وی اشاره دارد).

- ۲ بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین (۱۳۶۸). تاریخ بیهقی (تصحیح خلیل خطیب رهبر)، تهران: نشر علم. (اشارات پراکنده به دوران آل بویه و رجال آن)
- ۳ پازوکی، شهرام (۱۳۸۵). ابن سینا: فیلسوف ایران، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۴ داوری اردکانی، رضا (۱۳۷۵). ابن سینا: فلسفه او، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات فلسفی.
- ۵ مهدی محقق (۱۳۷۰). ابن سینا و علوم قرون وسطی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

### ?Ibn Sina's Acceptance of the Ministry under Shams al-Dawla: Compulsion or Opportunity

#### Abstract

This study examines Ibn Sina's decision to accept the position of minister under Shams al-Dawla of the Buyid dynasty, analyzing it as a confluence of political necessity and scholarly opportunity. Facing an unstable political landscape characterized by courtly rivalries and military conflicts, Ibn Sina's acceptance can be partly attributed to structural compulsions and security considerations inherent in the era's power dynamics. Refusal of such a role could have led to distrust, imprisonment, or marginalization. Conversely, the ministerial role offered Ibn Sina access to financial resources, libraries, and a network of elites, presenting a significant opportunity to influence policy and support his scientific endeavors. Leveraging his profound medical and philosophical knowledge, he managed to gain the ruler's confidence and solidify his position. Therefore, this decision is best understood not as pure coercion nor mere opportunism, but as a rational choice made in strategic engagement with the prevailing circumstances of his time

#### :Keywords :

Ibn Sina, Buyids, Ministry, Politics, Science

Omid Kafashi, Master of Arts in History and Public Administration with a specialization in Finance and Budgeting from the Universities of Urmia and Bonab\_\_